

## مفهوم مبارزه دموکراتیک و رابطه آن با مبارزه ملی

یکی از علل ضعف مبارزات مردم در ایران و بویژه سازمانهای سیاسی ایران در این واقعیت است که آنها ارزش واقعی را به مبارزه ملی و به مبارزه دموکراتیک و ارتباط ناگسستگی آنها بهم، نمی دهند.

مبارزه ملی یک مبارزه ضد امپریالیستی است، مبارزه ای علیه قدرت خارجی و برای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است و مبارزه دموکراتیک مبارزه ای برای دست یابی به آن چنان حقوقی است که منافع عمومی خلق را که اکثریت جامعه است در برگیرد. حقوق و خواستهای دموکراتیک از زمره این حقوق عمومی اند. این دو بخش مبارزه لازم و ملزوم یکدیگر هستند و جدا کردن آنها از هم می تواند صدمات جبران ناپذیری به مبارزه مردم ایران بزند. البته ممکن است در هر مرحله از مبارزه از جمله تجاوز رسمی امپریالیسم به خاک کشوری یک جنبه این مبارزه تقویت شود و جنبه دیگر را موقتاً تحت اشعاع خویش قرار دهد و به آن جنبه عمده دهد ولی بهر صورت رابطه مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک ناگسستگی است. برای مبارزه علیه امپریالیسم نمی توان از امدادهای غیبی مدد گرفت بلکه باید توده های مردم را بسیج نمود. وقتی نیروی خلق آگاهانه بسیج شود و مصمم گردد که نیروهای امپریالیستی را از کشورش بیرون بریزد امپریالیسم غول آسا بیک باره به بیر کاغذی بدل می شود و ناچار است کوله بار خویش را بردارد و فرار را بر قرار ترجیح دهد. تجربه الجزایر، ویتنام و عراق در مقابل ماست. ولی بسیج توده های مردم برای مبارزه فداکارانه علیه تجاوز امپریالیستی و حتی بسیج مردم برای مبارزه با دسیسه های امپریالیستی بدون برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک آنها مقدور نیست. مبارزه برای تحقق حقوق مردم، احترام به مردم، ارزش قابل شدن برای مردم، پذیرفتن این امر که انسانها دارای حقوقی هستند که دستاورد تاریخی بشریت است و هیچ قوم و گروه و دارودسته ای مجاز نیست این حقوق را بطورکلی و خودسرانه از آنها سلب نماید از جمله مواردی هستند که به بسیج توده های عظیم مردم یاری می رسانند و آنها را آماده فداکاری می کنند. وقتی از جانب حکومتی حقوق شهروندان خودسرانه و توجیه ناپذیر مستمرا بزیر پا گذارده شود در صورت تجاوز نیروهای بیرحم امپریالیستی دل و دماغی نمی ماند تا کسی به مقابله با امپریالیسم دست زند. مردم از خود می پرسند ما از چه چیز دفاع می کنیم؟ از اینکه آل رفسنجانی درآمدهای نفت ایران به جیب مبارک سرازیر کند؟ از اینکه آخوندهای جنایتکار ایران را ملک شخصی خود تلقی کرده و از مردم ایران سلب مالکیت میهنشان را کرده اند؟ از اینکه خصوصی سازی را با زور و دروغ و کلاشی و تحریف قانون اساسی بطوری پیش می برند که همه منابع ملی ایران را به مالکیت خصوصی افرادی از طبقه حاکمه در آورند؟ چنین دولتی طبیعتاً نمی تواند حافظ منافع ملی باشد. آنها حافظ منافع خودیها هستند تا گنج باد آورده ای را که به کف آورند میان خود تقسیم کنند.

این است که مبارزه ملی همواره باید با مبارزه دموکراتیک همراه باشد. مبارزه دموکراتیک جزء لاینفک مبارزه ملی است و برعکس است. در گذشته در مبارزه مردم ایران ما همواره شاهد آن بوده ایم که یک جنبه از این مبارزه بهای درخور خویش را نداشته است. در زمان انقلاب بسیاری از نیروهای سیاسی ایران بویژه نیروهای “چپ” اهمیت تکیه بر مبارزه دموکراتیک را درک نمی کردند و آنرا با برچسب لیبرالیسم محکوم می نمودند. آنها به بهانه حمایت از مبارزه ملی و به بهانه خطر تجاوز امپریالیستی که بهر صورت یک خطر واقعی تا زمان زنده بودن امپریالیسم باقی می ماند مبارزه برای تحقق حقوق دموکراتیک را تخطئه می کردند. در راس آنها حزب توده ایران که گماشته شورویها بود قرار داشت. پاره ای از این مدعیان کمونیست حتی اول ماه مه روز بزرگ رژه طبقه کارگر جهانی علیه سرمایه را که برای نخستین بار بعد از کودتای خائنانه 28 مرداد در ایران برگزار می شد در کنار خمینی و دارو دسته های حزب الله سینه زدند تا از “توده ها” عقب نمانند. بزعم آنها گویا بنقل از خمینی “همه روزها روز کارگر است، حضرت علی هم کارگر بود” و...

اینکه لیبرالها که پایشان در مبارزه با امپریالیست آمریکا می لنگید پرچمدار مبارزه برای دموکراسی شده بودند ناشی از ضعف کمونیستها و نیروهای کمونیستی بود که اهمیت مبارزه دموکراتیک را درک نمی کردند و پرچم آن را دو دستی به لیبرالها داده بودند. تلاش برای رهبری مبارزه دموکراتیک و به کف آوردن پرچم آن به مفهوم بسیج توده های مردم و گسترش مبارزه آنهاست. در این مبارزه است که مردم به حقوق خویش واقف شده، آگاهی طبقاتی پیدا کرده، مبارزه آنها رشد نموده گسترش می یابد و طبیعتاً برای مبارزه علیه امپریالیسم نیز آمادگی پیدا می کنند. پاره کردن پیوند این دو بخش مبارزه، به بیراهه کشاندن شدن آن، همانگونه که سیر انقلاب ایران نشان داد، منجر خواهد شد.

اهمیت درک این مسایل از آن جهت لازم است که برای مبارزان ایرانی و فعالین حقوق بشر روشن شود که نباید اشتباهی که در زمان انقلاب صورت پذیرفت باین نحو تکرار شود که این بار به جنبه دموکراتیک مبارزه تکیه شود و جنبه ملی و ضد امپریالیستی آن نفی گشته و یا در پرده قرار گیرد. نفی جنبه ضد امپریالیستی مبارزه مردم همواره این خطر را دارد که جنبش به راست منحرف شود. زمینه نفوذ دشمنان جنبش در میان مردم تقویت شود. گرگها در لباس میش در پی انحراف جنبش بر آیند و ایران را از چله ای به چاه برند.

نقل از توفان الکترونیکی ارگان الکترونیکی حزب کار ایران شماره 12 مرداد 86

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)